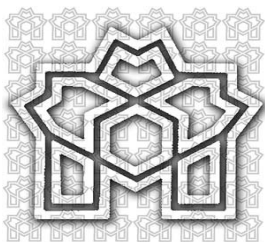


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ
الَّذِي يُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ
وَيُدْخِلُهُمْ فِي الْأَرْحَامِ
مَرَّةً أُخْرَىٰ إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

عنوان

بررسی تاثیر وسیله آموزشی صفحه گردان در اصلاح نارساخوانی دانش آموزان نارساخوان پایه دوم و سوم

ابتدائی شهرستان شهریار در سال تحصیلی ۸۸-۸۷

استاد راهنما : دکتر مریم سیف نراقی

استاد مشاور : دکتر شیوا دولت آبادی

استاد داور: دکتر حمید علیزاده

دانشجو

خدیجه ذوالفعلی

۸۵۹۸۳۲۰۴

شهریور ماه ۱۳۸۸

تقدیم به

مادر و پدر عزیزم، به آنان که خزان را تجربه کردند تا من بهار را بیاموزم، آنان که قد خمیده شدند تا من قد کشم. دست در دستم نهادند تا ببینم و گمراه نشوم. گرد پیری بر پیشانی‌شان نشست تا من رخ در رخ پیری نکشم.

و به همسر

که نیمه گمشده وجودم را در او پیدا کردم.

تقدیر و تشکر

کمال تشکر و قدردانی از زحمات و راهنماییهای ارزشمند و مشفقانه استاد ارجمند سرکار خانم

دکتر مریم سیف نراقی که در به انجام رساندن این تحقیق مرا یاری نمودند.

بر خود لازم می دانم از اساتید گرانمایه، سرکار خانم شیوا دولت آبادی و جناب آقای دکتر

حمید علیزاده که مشاوره و داوری شاگرد خود را در به پایان رساندن این رساله پذیرفتند،

تشکر و قدردانی نمایم.

و با تشکر از یکایک دانش آموزان عزیز که در به انجام رسیدن این پژوهش با محقق همکاری

کردند.

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی تاثیر وسیله آموزشی صفحه گردان در اصلاح نارساخوانی دانش آموزان نارساخوان انجام شده است، که با توجه به موضوع تحقیق، روش تحقیق « نیمه آزمایشی » است. جامعه آماری این تحقیق، در بر گیرنده دانش آموزان نارساخوان پایه دوم و سوم ابتدائی شهرستان شهریار می باشد که از میان آنها ۱۵ نفر به صورت در دسترس (غیر تصادفی) از میان مراجعین به کلینیک تخصصی رفع اختلالات یادگیری شکوفا انتخاب شدند.

آزمودنیها برای اینکه عامل عقب ماندگی ذهنی تاثیرگذار نباشد، به وسیله آزمون ریون مورد آزمون قرار گرفتند و کودکان دارای هوشبهر زیر ۱۰۰ حذف شدند. این دانش آموزان از طریق دو آزمون آگاهی واج شناختی و آزمون خواندن پیش از آموزش و در پایان آموزش مورد آزمون قرار گرفتند. به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از دو روش آمار توصیفی شامل میانگین نمرات، توزیع فراوانی، انحراف استاندارد و آمار استنباطی، t وابسته جهت بررسی فرضیات پژوهش استفاده شد. نتایج بدست آمده در این تحقیق، فرضیات تحقیق را مبنی بر تاثیر وسیله آموزشی صفحه گردان در اصلاح و بهبود آگاهی واج شناختی و نارساخوانی دانش آموزان نارساخوان تایید می کند.

با توجه به اینکه دانش آموزان با نارساییهای ویژه در یادگیری، خصوصاً دانش آموزان نارساخوان که اکثریت این گروه از دانش آموزان را تشکیل می دهند نیاز به روشها و برنامه های آموزشی متفاوت با روشهای مدرسه برای یادگیری دارند محقق با توجه به یافته ها و مشاهده های خود پیشنهاد می کند درمانگران و متخصصین اختلالات یادگیری وسیله آموزشی صفحه گردان برای کمک به اصلاح و رفع نارساخوانی و بهبود آگاهی واجی در دانش آموزان نارساخوان در کنار دیگر روش های آموزشی بکار ببرند.

کلید واژه ها: نارساخوانی- آگاهی واج شناختی- روش آموزشی صفحه گردان.

فصل اول: طرح تحقیق.....	۱
۱- مقدمه.....	۲
۱-۱ بیان مسئله.....	۶
۲-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق.....	۹
۳-۱ اهداف تحقیق.....	۱۱
۴-۱ فرضیه های تحقیق.....	۱۱
۵-۱ روش انجام تحقیق.....	۱۱
۶-۱ جامعه و نمونه آماری.....	۱۱
۷-۱ روش گردآوری داده ها و ابزارهای آن.....	۱۲
۸-۱ روش آماری.....	۱۴
۹-۱ تعریف مفاهیم و واژگان.....	۱۴
۱۰-۱ محدودیتهای دوگانه تحقیق.....	۱۶
فصل دوم: ادبیات تحقیق.....	۱۸
۱-۲ مقدمه.....	۱۹
۲-۲ تاریخچه نارساییهای ویژه در یادگیری.....	۲۰
۳-۲ تعریف نارسایی های ویژه در یادگیری.....	۲۲

- ۳۰.....۴-۲ شیوع نارسایی های ویژه در یادگیری.....
- ۳۱.....۵-۲ تقسیم بندی نارسایی های ویژه در یادگیری.....
- ۳۴.....۱-۵-۲ کودکان با دشواریهای حرکتی.....
- ۳۵.....۲-۵-۲ کودکان با دشواریهایی در تشخیص و درک بینایی.....
- ۳۶.....۳-۵-۲ کودکان با دشواریهایی در تشخیص و درک شنوایی.....
- ۳۶.....۴-۵-۲ کودکان با دشواریهایی در تکلم یا زبان گفتاری.....
- ۳۷.....۵-۵-۲ کودکان با دشواریهای اساسی در نوشتن.....
- ۳۸.....۶-۵-۲ کودکان با دشواریهای اساسی در ریاضیات.....
- ۴۰.....۷-۵-۲ کودکان با دشواریهایی در خواندن و هجی کردن.....
- ۴۱.....۶-۲ علل نارسایی های ویژه در یادگیری.....
- ۴۲.....۱-۶-۲ عوامل ژنتیکی.....
- ۴۲.....۲-۶-۲ عوامل محیطی.....
- ۴۴.....۷-۲ الگوهای یادگیری خواندن.....
- ۵۱.....۸-۲ عوامل موثر در خواندن.....
- ۵۳.....۹-۲ انواع خواندن.....
- ۵۴.....۱۰-۲ اهداف خواندن.....
- ۵۵.....۱۱-۲ الگوهای خواندن.....
- ۵۶.....۱-۱۱-۲ نظریه مارش.....

- ۵۷.....۲-۱۱-۲ نظریه فریث.....
- ۵۷.....۳-۱۱-۲ نظریه گاسوامی و برایانت.....
- ۶۰.....۱-۳-۱۱-۲ مهارت‌های واج شناختی پیش از دبستان.....
- ۶۰.....۲-۳-۱۱-۲ آموزش واجها.....
- ۶۱.....۳-۳-۱۱-۲ هجی کردن و خواندن.....
- ۶۱.....۴-۳-۱۱-۲ رشد آگاهی واجی بعد از خواندن.....
- ۶۲.....۱۲-۲ سیری در تاریخچه سبب شناسی خواندن.....
- ۶۷.....۱۳-۲ نارساخوانی.....
- ۷۱.....۱۴-۲ ملاک‌های تشخیص نارساخوانی بر اساس DSM-IV.....
- ۷۲.....۱۵-۲ ملاک‌های تشخیص CD/10 برای نارسایی ویژه در خواندن.....
- ۷۳.....۱۶-۲ نشانه های بالینی.....
- ۷۵.....۱۷-۲ خطاهای خواندن.....
- ۷۸.....۱۸-۲ انواع انواع نارساخوانی.....
- ۷۸.....۱-۱۸-۲ نظریه مایکل باست.....
- ۸۰.....۲-۱۸-۲ نظریه اینگرام و همکاران.....
- ۸۰.....۳-۱۸-۲ نظریه بودر.....
- ۸۲.....۴-۱۸-۲ نظریه دورنیک.....
- ۸۳.....۵-۱۸-۲ نظریه رایینوویچ.....
- ۸۳.....۶-۱۸-۲ متداولترین تقسیم بندی.....

۸۳.....	۱۹-۲ همه گیر شناسی نارساخوانی
۸۶.....	۲۰-۲ شیوه های آموزش خواندن.....
۸۶.....	۲۱-۲ روشهای آموزش به کودکان نارساخوان.....
۹۰.....	۱-۲۱-۲ روش VACT.....
۹۱.....	۲-۲۱-۲ روش فرنالد.....
۹۲.....	۳-۲۱-۲ روش سینا.....
۹۶.....	فصل سوم: روش اجرا.....
۹۷.....	۱-۳ مقدمه.....
۹۷.....	۲-۳ روش تحقیق.....
۹۸.....	۳-۳ جامعه آماری.....
۹۹.....	۴-۳ نمونه آماری و روش گزینش.....
۱۰۰.....	۵-۳ روش جمع آوری اطلاعات و ابزار های آن.....
۱۰۱.....	۶-۳ ابزارهای پژوهش.....
۱۰۱.....	۱-۶-۳ آزمون خواندن.....
۱۰۲.....	۲-۶-۳ آزمون هوش.....
۱۰۲.....	۳-۶-۳ آزمون آگاهی واج شناختی.....
۱۰۳.....	۴-۶-۳ وسیله آموزشی صفحه گردان.....
۱۰۴.....	۷-۳ روش اجرا.....
۱۰۷.....	۸-۳ روش های آماری.....

فصل چهارم: یافته ها و تجزیه و تحلیل آنها.....	۱۰۸
۱-۴ مقدمه.....	۱۰۹
۲-۴ نتایج فرضیه های تحقیق.....	۱۱۰
فصل پنجم: خلاصه تحقیق، نتایج عمده و پیشنهادها.....	۱۲۴
مقدمه.....	۱۲۵
۵-۱ خلاصه.....	۱۱۶
۲-۵ بحث و بررسی فرضیه های تحقیق.....	۱۱۹
۳-۵ ملاحظات اخلاقی.....	۱۲۲
۴-۵ پیشنه‌های بر اساس یافته های تحقیق.....	۱۲۳
۵-۵ پیشنهادهایی برای پژوهشهای آینده.....	۱۲۳
پیوست ها.....	۱۲۵
منابع.....	۱۳۵
منابع فارسی.....	۱۳۶
منابع لاتین.....	۱۳۹

فصل اول

طرح تحقیق

چند دهه ای است (۱۹۵۰) که روانشناسان، پزشکان و متخصصان آموزش ویژه به گروه خاصی از دانش آموزان و آموزش آنها علاقه مند شدند. این گروه از دانش آموزان از نظر جسمی و مغزی دچار هیچ گونه عارضه مشخصی نبودند ولی در یادگیری اشکالاتی داشتند (سیف نراقی، نادری ۱۳۸۴ ص ۲۹).

اصطلاح نارسائیهای ویژه در یادگیری^۱ بر ناتوانی آن گروه از کودکان دلالت دارد که در یک یا چند فرایند روان شناختی پایه مربوط به درک زبان یا کاربرد آن، گفتاری یا نوشتاری، اختلال دارند. این اختلال ممکن است به صورت ناتوانی در گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی جلوه گر شود. این اصطلاح عارضه هایی چون معلولیتهای ادراکی، آسیب مغزی، اختلال جزئی کارکرد مغز، نارساخوانی و زبان پریشی رشدی را شامل می شود. اصطلاح یاد شده آن دسته از مشکلات یادگیری را که اساساً نتیجه معلولیتهای دیداری، شنیداری یا حرکتی، عقب ماندگی ذهنی^۲، اختلال هیجانی^۳ و یا وضع نامساعد محیطی، فرهنگی یا اقتصادی را در بر نمی گیرد (تعریف دولت فدرال^۴، ۱۹۹۷ به نقل از عصمت دانش، ۱۳۸۴ ص ۱۰).

نارسائیهای ویژه در یادگیری به چند گروه ۱- نارسانویسی^۵ ۲- مشکلات حساب^۳ ۳- مشکلات اجتماعی- عاطفی^۴ ۴- مشکلات ادراکی- حرکتی^۵ ۵- مشکلات زبان گفتاری و ۶- مشکلات خواندن (نارساخوانی) تقسیم می شوند. گر چه برخی از کودکان با نارسائی ویژه در یادگیری فقط در

¹ Specific learning disabilities

² Mental retardation

³ Emotional disorder

⁴ آموزش و پرورش ایالات متحده

⁵ dysgraphia

جنبه خاصی نارسائی دارند اما بسیاری از آنها همزمان در چندین جنبه یادگیری دچار مشکل هستند (منشی طوسی ۱۳۷۹ ص ۲۸۴) که البته اکثریت افراد با نارساییهای یادگیری درگروه (نارساخوانان) مشکلات خواندن قرار می گیرند.

تعداد بسیاری از معلمان وقتی را که صرف آموزش خواندن به دانش آموزان می کنند بیش از مدتی است که صرف آموزش دروس دیگر می کنند اما همه دانش آموزان به یک میزان پیشرفت نشان نمی دهند (کرک^۱ ۱۹۷۵ به نقل از هالاهان، کافمن، ترجمه جوادیان ۱۳۸۳)، و حتی اکثریت دانش آموزان دچار نارساییهای ویژه در یادگیری- حداقل ۸۰ درصد آنها- مشکلاتی در خواندن دارند (لیون^۲، ۱۹۹۵ ب، کرک و الکینز، ۱۹۷۵). در واقع ساده ترین نشانه ای که به کمک آن می توان شکست کودک را در بسیاری از زمینه های تحصیلی پیش بینی کرد اختلال در خواندن است (سرحدی زاده ۱۳۷۸). ضعف در خواندن به مشکلات متعدد دیگری منتهی می شود. فرصتهای استخدام برای دانش آموزانی که در خواندن و در کل، پیشرفت تحصیلی ضعیف اند، کاهش می یابد (واگنر^۳ و بلاکوری، ۱۹۹۶) (لرنر^۴، مترجم دانش ۱۳۸۴ ص ۴۹۸). بنابر این کودکانی را نارساخوان می نامند که به رغم برخورداری از آموزش متداول در دست یابی به مهارتهای خواندن، نوشتن و هجی کردن در حد متوسط با تواناییهای عقلی شان با شکست مواجه می شوند (اسمیت^۵ و همکاران ۱۹۹۸ به نقل از دادستان ۱۳۸۴). کاپلان و سادوک^۶ در کتاب خلاصه روان پزشکی آورده اند که اختلال خواندن در پسر بچه ها ۲ تا ۴ برابر

¹ Kirk

² Lyon

³ Wagner

⁴ Lerner

⁵ Smith

⁶ Kaplan & Sadock

بیشتر از دختران است ولی در بالغین تفاوتی در میزان شیوع آن در میان زنان و مردان مشاهده نمی شود (پور افکاری، مترجم ۱۳۸۴).

فرایند خواندن شامل: شناسایی واجها (حروف)، ترکیب و هماهنگی واجها و ساخت کلمات، ساخت جملات کوتاه و بلند و در نهایت درک مطلب میباشد. بنابر این دانش آموزان برای خواندن باید تا حدی از آگاهی واجی که همان تشخیص صداهای زبان می باشد برخوردار باشند (محقق). کودک باید بفهمد که گفتار را می توان به هجاها و واجهای مجزا تقسیم کرد (لرنر^۱، مترجم عصمت دانش ۱۳۸۴ ص ۷۸۵). آدامز^۲ (۱۹۹۰) آگاهی واج شناختی را مهمترین عاملی می داند که خواننده های ناتوان را از طبیعی متمایز می کند. نتایج بسیاری از تحقیقات از جمله برادلی^۳ و برایانت^۴ (۱۹۸۵)، لیبرمن^۵ (۱۹۹۰)، اریوس و دکاتس (۱۹۹۹) و... نشان داده اند که آگاهی واج شناختی بسیار مرتبط با توانائی خواندن است و کودکانی که در آگاهی واج شناختی مشکل یا تاخیر دارند احتمالاً در خواندن نیز مشکل دارند (سلیمانی و دستجردی، ۱۳۸۲).

مشکلات خواندن را در دو سطح رمز گشایی^۶ (تحلیل کلمه) و درک مطلب می توان تحلیل کرد (شریفی درآمدی ۱۳۸۰ ص ۱۸۵)، که مشکلات واجی و واج شناختی در سطح رمز گشایی و تحلیل کلمه قرار می گیرند.

¹ Lerner
² Adams
³ Bradley
⁴ bryant
⁵ liberman
⁶ decoding

شواهد حاکی از آنند که شایعترین مشکلات رمزگشایی، اشکال در ترکیب صداها یعنی ایجاد رابطه بین حروف و صدای آنهاست. این امر مستلزم آگاهی از ساختار واجها، آشنایی با صدای یکایک حروف و ترکیب آنهاست (احمدی ۱۳۸۰ ص ۱۶۳). هرگاه واجها^۱ که کوچکترین واحد زبانی صدا به شمار می آیند با معیارهای موجود در داخل یک زبان مطابقت پیدا کنند، معنی می یابند. کودکان باید این مهارت را فرا گیرند که شکل نوشته شده یک لغت را با ساختار صوتی آن منطبق کنند. به نظر میرسد هر قدر که آگاهی آنها از ساختار واجی لغات بهتر باشد یادگیری تناظرهای نویسه- واج (نوشتار-گفتار) برای آنها ساده تر است (شریفی در آمدی ۱۳۸۰ ص ۱۶۶) و در خواندن تحول سریعتری را نشان خواهند داد (لاندبرگ^۲ ۱۹۸۱). طبق نظر کرک^۳ و کرک^۴ کودکی که نتواند صداها را با هم ترکیب کند، حتی اگر تمام صداها را بشناسد، در خواندن با مشکل روبروست (منشی طوسی ۱۳۷۹ ص ۱۹۷). برای اینکه کودک بتواند به راحتی بخواند باید در ترکیب صداها و فعالیتهای پایه ای نظیر آن نیز تسلط و تبحر کافی داشته باشد و بتواند در روند خواندن به جای توجه بر قالب ریزی بر جنبه های ارتباطی آن تمرکز کند (باناتین ۱۹۷۳). در دهه های اخیر با تاکید روز افزون بر آگاهی واجی، آموزش و بهبود آگاهی واجی نیز مورد توجه بسیاری از کارشناسان قرار گرفته است (گاتنی و اندرسون^۴، ۲۰۰۰؛ انجمن ملی خواندن^۵ ۲۰۰۰، پیرسون^۶ و کمپرل^۷، ۱۹۹۴؛ پرسلی، ۲۰۰۰). لذا هر گونه آموزش صحیح در جهت آموزش آگاهی واجی و رفع این اشکالات می تواند به صورت مستقیم در بهبود خواندن موثر واقع شود. از جمله روشهایی که در اصلاح نارساخوانی در ایران به کار می رود می توان به وسیله آموزشی سینا که توسط سیف نراقی و نادری (۱۳۶۳) ابداع شده است اشاره

^۱ phoneme

^۲ landberg

^۳ Kirk & Kirk

^۴ Gattney&Anderson

^۵ National Reading Pnel

^۶ Pearson

^۷ Pearson&Camperell

نمود و ضمن قدر دانی از هموارسازی راه بکارگیری ابزارهای آموزشی توسط اساتید، پژوهش حاضر راهی است در ادامه راه بهره گیری از ابزار موجود مداخله در نارساخوانی و محقق امیدوار است که با بهره گیری از شکل گردونه ای و بازیگونه ای از حروف و ترکیبات الفبای فارسی بتواند انگیزه را در دانش آموز نارساخوان در امر یادگیری برانگیزد و همزمان در اصلاح مشکل نیز موثر واقع شود و پژوهش حاضر در راستای به آزمون گذاردن و ارزیابی این وسیله کمک آموزشی می باشد.

۱-۱ بیان مساله

جلوه ای از زبان که تحلیل آن در چارچوب روانشناسی زبان قرار گرفته، حیطه خواندن است (رخشان و فریار ۱۳۷۹ص ۲۱۵). خواندن در بر گیرنده مجموعه پیچیده ای از مهارتهاست که بازشناسی لغات نوشته شده، تعیین معنای لغات و عبارات و هماهنگ ساختن این معنا با موضوع کلی متن را شامل می شود، که مستلزم فرایندهایی است که در سطوح بسیار مختلف بازنمایی از قبیل حروف، کلمات، عبارات، جملات و واحدهای بزرگتر متن، عمل می کنند.

مشکلات خواندن، بیش از سایر مشکلات اختصاصی یادگیری (مشکلات نوشتن و ریاضیات)، در حوزه های گوناگون مانع پیشرفت تحصیلی می گردد، چرا که خواندن، راه دستیابی به دامنه گسترده ای از اطلاعات است و عدم موفقیت کودک در یادگیری خواندن در سالهای اولیه مدرسه، او را به طور موثری از پیشرفت در دیگر مواد برنامه های درسی باز می دارد و منجر به افت تحصیلی در او می شود (راتر^۱ و همکاران ۱۹۷۰). همچنین بر فراگیری اطلاعات خارج از برنامه درسی نیز که نیاز به خواندن دارد، اثر منفی میگذارد (برتکوفسکی و ویلوز ۱۹۸۰).

^۱ Ratter

مشکلات این دانش آموزان تنها با افت تحصیلی و اتلاف بودجه و امکانات پایان نمی پذیرد، بلکه به سرزنش و تحقیر، تشکیل خودپنداره ضعیف و کاهش عزت نفس می انجامد و چه بسا در خطر قرار گرفتن سلامت روان نیز به دنبال دارد (تبریزی، ۱۳۷۸).

افراد نارساخوان به رغم برخورداری از آموزش متداول در دست یابی به مهارت‌های خواندن، نوشتن، هجی کردن در حد متوسط با توانائیهای عقلی شان با شکست مواجه می شوند (اسمیت^۱ و همکاران ۱۹۹۸ به نقل از دادستان ۱۳۷۹).

در طی سالهای اخیر، تلاش کارشناسان و برنامه ریزان آموزشی جهت تغییر و اصلاح نظام آموزشی خواندن و نوشتن و یافتن روشی کارآمد، ضرورت توجه به پیش نیازهای فراگیری خواندن و نوشتن را اجتناب ناپذیر نموده است. از جمله پیش نیازهای مهم در کسب مهارت خواندن، توانایی شناسایی واج های سازنده کلمه و به عبارتی آگاهی واج شناختی است. برومفیلد و کومبل^۲ (۱۹۹۷) حساسیت به صداها و دانش آوایی را پیش بینی کننده های خوبی برای کسب مهارت خواندن در آینده و مهمتر از عملکرد شناختی می دانند (ترجمه، محقق). پلازا و کهن^۳ (۲۰۰۴) بر اساس یافته های تحقیق خود، آگاهی واجی را یک متغیر پیش بینی کننده در انجام تکالیف خواندن و هجی کردن می دانند و اگر کودکان در مهارت‌های پیش از خواندن (آگاهی و آشنایی با واجها) ضعیف باشند، احتمال دارد که در یادگیری خواندن با مشکل مواجه شوند (گوسوامی^۴ و برایانت^۵ ۱۹۹۰) از سوی دیگر اگر کودک نتواند صداها را با یکدیگر ترکیب کند (ترکیب واجها و ساخت کلمه) حتی اگر تمام واجها را بشناسد، باز در

¹ Smith

² Broom Field&Comble

³ Plaza&Cohen

⁴ Guswami

⁵ Bryant

خواندن با مشکل روبروست (منشی طوسی ۱۳۷۳ص ۱۶۳). در این راستا پژوهشهای متعددی انجام شده که استراتژی های آموزشی خاص مطرح شده در اصلاح این نارساییها را موثر دانسته اند (مورگان^۱، هینشلوود^۲، اورتون^۳، گشویند^۴، کیپارت^۴، فرنالد^۵ ۱۹۶۳-سیف نراقی و نادری ۱۹۷۲-به نقل از سیف نراقی و نادری ۱۳۸۴ص ۲۹ و ۳۰). پژوهش «لوئیس سورلینگ^۵» (۲۰۰۲)، بر لزوم آموزش این گروه از دانش آموزان و تحقیق «رنه نیومن^۶» (۱۹۹۹)، بر ماهیت پیچیده این اختلال و بر آموزش انفرادی این کودکان تاکید می کند.

با این اوصاف، آموزش واجها و آگاهی واج شناختی و ترکیب واجها در ساخت کلمات متفاوت از روشهای مرسوم که با ایجاد انگیزه، میل به یادگیری را در دانش آموزان نارساخوان ترغیب کند، می تواند گامی در جهت درمان و اصلاح نارساخوانی آنها و حتی بهبود زمینه های دیگر درسی که نیاز به خواندن دارند (حل مسائل در ریاضیات، علوم، اجتماعی و...) باشد. لذا محقق، قصد دارد تاثیر وسیله آموزشی و ابداعی (از سوی محقق) صفحه گردان را در آموزش، آگاهی واجی و اصلاح نارساخوانی در دانش آموزان نارساخوان بررسی کند و سوال اصلی محقق این است که آیا آموزش با این وسیله آموزشی می تواند در اصلاح نارساخوانی این گروه از دانش آموزان موثر واقع شود یا خیر؟

¹ Morgan

² Orton

³ Geschwind

⁴ Kephart

⁵ Louise spear-swerling(2002)

⁶ Renee M.Newman(1999)

۲-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

آمار کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری در تحقیقات مختلف بر حسب معیاری که برای تشخیص نارسایی به کار برده می شود، دامنه ای از ۱ الی ۳۰ درصد جمعیت دانش آموزان مدارس را در بر می گیرد. از سوی دیگر بنا به نظر کالوگر^۱ و کالسون^۲ (۱۹۷۸) - ۸۵ تا ۹۰ درصد از اختلالات یادگیری به اختلالات خواندن مربوط است (تبریزی ۱۳۸۰). این ارقام نشان دهنده شیوع بالای این نارسایی در بین کودکان است. با توجه به این که آمار کودکان دارای نارساییهای یادگیری در ایران تا کنون پایین تر از ۱ درصد گزارش نشده است و بیان می شود از این میان ۹۰-۸۰ درصد دچار نارساخوانی هستند که در ایران از حدود ۱۹۰۰۰۰ دانش آموز با مشکلات ویژه در یادگیری، بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر از آنها مشکل در خواندن دارند (سیف نراقی، نادری ۱۳۸۴، ص ۲۹) .

از سوی دیگر، مهمترین مساله مطرح شده در این پژوهش نارساخوانی است . از آنجا که عدم موفقیت کودک در یادگیری خواندن در مدرسه می تواند او را از دیگر برنامه های درسی جدا نگه دارد و در نتیجه باعث شکل گیری خودپنداره منفی ، ترک تحصیل یا اخراج از مدرسه شود لذا شناسایی و آموزش این افراد در مراحل آغازین یادگیری می تواند از خارج شدن آنها از چرخه آموزش و افزایش نیروی ناکارآمد و بیسواد در جامعه پیشگیری کند. با این توصیف ابداع و استفاده از روشهای مناسب آموزشی که با توجه به شرایط سنی و نوع اختلال، انگیزه و میل به یادگیری را در این دانش آموزان تقویت و فرایند یادگیری را تسهیل کند ضروری می باشد.

¹ Caluger

² Carlson

لذا انجام این تحقیق به منظور یافتن شیوه ای مناسب برای اصلاح نارساخوانی ضرورت می یابد و از آنجا که وسیله آموزشی صفحه گردان وسیله ای جدید در راستای آموزش دانش آموزان با نارسایی ویژه در یادگیری خواندن می باشد که توسط محقق برای اولین بار با هدف کمک در رفع این مشکل ساخته می شود امید است طراحی ویژه این وسیله به ایجاد علاقه و انگیزه در این دانش آموزان و در نهایت کمک به یادگیری خواندن (و به تبع آن نوشتن) آنها به عنوان وسیله ای کمک آموزشی موثر واقع شود.

از جمله مزایای این روش به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱- امکان تهیه آن در کلینیکها و مدارس ویژه دانش آموزان با نارساییهای ویژه در یادگیری وجود دارد.

۲- این روش توانایی هجی کردن را در کودکان تقویت می کند.

۳- در ترکیب واجها^۱ و ساخت هجاها و در نهایت کلمات به دانش آموز کمک می کند.

۴- برای دانش آموز کار با این وسیله جالب است و در او ایجاد شوق و علاقه می کند.

۵- دانش آموز را در امر یادگیری به فعالیت وا می دارد.

۶- کار با این وسیله باعث افزایش دامنه لغات در دانش آموز می شود.

^۱ Phonemes blending